

حکومت مسئول کشتار بی رحمانه مردم و خشونت هاست، همه موظفیم در مقابل کشتار مردم توسط حکومت بایستیم.

جوانی تیر خورده و رنگ پریده روی صندلی بهداری اوین افتاده است. ظاهرش نشان می دهد که خونریزی، عفونت و تورم غیر قابل تصور یا، او را از پای درآورده تا زندانبانان بند ۲۰۹ امنیت اوین او را از سلول انفرادی به بهداری آورده اند. او جوانی کم سن و سال است از اسلامشهر. جوانی از همان طبقه که قرار بود جمهوری اسلامی خادم شان باشد. وقتی به او گفتیم اصرار کن پایت معالجه شود وگرنه با این وضع قطع میشود گفت من که قرار است اعدام شوم چه فرقی دارد با یا یا بی یا. از روزی که بازداشت شده ام حتی بتادین هم روی زخمم نریخته اند.

دختری ۲۰ساله از زندان وزرا به بند زنان منتقل شد. چشمانش شدت اضطرابش را نشان می داد. سر راه از ماشین پیاده شده و به طرف عده ای که برای گرانی بنزین تجمع کرده بودند، رفته و بازداشت شده بود. حین بازجویی یا بهتر بگویم اعتراف گیری، مرد بازجو از موهایش گرفته و کشیده بود و فحش های رکیکی داده بود که رویش نمی شد تکرار کند. کمر بند دور کمرش را باز کرده و به میز و صندلی کوبیده بود تا دختر جوان ترسیده و هر چه میخواهد را به دوربین بگوید، نه یک بار بلکه چند بار. او که چون بسیاری از هم نسلانش موفق به تحصیل در دانشگاه نشده و به کار مشغول بود، به زندان قرچک و میان متهمان قتل و مواد مخدر و ... منتقل شد.

صدها هموطن عزیزمان با شلیک مستقیم عوامل حکومت به خون غلطیدند. مادران و پدران کمر خم کردند و خانه ها به پرچم سیاه مزین شدند. قربانیان استبداد دوباره به قربانگاه برده شدند. ملتی به ستوه آمده از فقر و تبعیض و فساد حکومت استبدادی به پای خاسته اند تا صدای پرخشم و بغض الودشان را به گوش مسئولان برسانند اما به جای شنیده شدن فریادشان به رگبار گلوله بسته شدند.

حکومت معترضان را فارغ از شکل اعتراضاتشان در سلسله اعتراضات اخیر، اغتشاشگر، اشوبگر و ارازل و اوباش نامیده و آنها را جزء مردم ایران نمیداند. معترضان مردم ایران هستند اما نه از جنس حاکمان. مردمانی هستند رنج و گرسنگی کشیده، مردمانی تحقیر و سرکوب شده، مردمانی که به هر طریق ممکن برای نقد، اصلاح و اعتراض کوشیدند، سرکوب شدند و اکنون در کف خیابانها فریاد حق خواهی سر می دهند.

حاکمان اعلام می کنند اعتراض حق مردم است. اما به یاد نمی آوریم اعتراض و حتی نقدی که به سرکوب توسط حکومت نیا انجامیده باشد. حکومت نشان داده که مسالمت امیزترین اعتراض ها را تحمل نمی کند و حتی تظاهرات سکوت را با گلوله پاسخ می دهد.

رییس جمهور کشور، مردم معترض را که طی اقدامی مدنی ماشین هایشان را در خیابانها متوقف کرده اند، تهدید به تعقیب می کند و ابزار کنترل و دوربین و مانیتورینگ را به رخ ملت می کشد. از ایشان به عنوان حافظ حقوق ملت (نه حکومت) باید سوال کرد آیا ابزار و کنترلی بر ماشه های تفنگ هایی که به روی ملت آتش گشودند و یا کنترل و دوربینی در سلول های بندهای امنیت که تن مجروح جوانان ملت را به اسارت و شکنجه کشیده اند، در اختیار دارد؟

رییس قوه قضاییه معترضان را با اعمال مجازات سنگین و برخورد قاطع تهدید می کند اما کلامی از تعقیب و مجازات عاملان شلیک مستقیم به مردم به میان نمی آورد. آیا تصور و باوری بر اجرای حق و عدالت در چنین سیستمی وجود دارد؟

کشتار مردم رنجور و خسته از سرکوب، انچنان وحشیانه و خشونت آمیز است که با هیچ عذر و بهانه ای از سوی حکومت توجیه پذیر نیست و تنها یک درخواست میتوان داشت و آن مجازات عاملان کشتار مردم بی پناه است و این مساله باید به یک خواست عمومی تبدیل شود.

تاریخ مایه عبرت مستبدان نشده است. سرکوب هر اعتراضی در مقاطع مختلف تاریخ این سرزمین، بستر ساز شکل گیری قدرتمندتر اعتراضات و حق خواهی های بعدی شده، بدیهی است شکل و دامنه اعتراضات آینده، مطابق با نوع مواجهه نظام با معترضان فعلی رقم خواهد خورد.